بررسی و تبیین معنای غلو و غالی در اسلام

و موضع شیعه در این خصوص

مرتضی حق شناس

چکیده:
در مقاله پیش روا، برداشت معناي انحصاری گزاف گوئی و افزایش گری از غلو، توسط نسبت دهنده‌اند. همان‌طور که در مبحث سه‌گانه، با استفاده از آیات قرآن، تفسیر معنایی من sucht و غلو و غالی را در مدد و منج مورد هردو را شامل می‌شود. بنابراین، توجه مسلمان باید از آزادی و تفکر هر دو بدور باشد که چگونه غلو نسود و مصداق امت وسط (که در قرآن آمده) باشد.

* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

فصلنامه تخصصی علوم اسلامی ۶ سال اول - شهره پنجم - (مستان ۸۵)
واژگان کلیدی:
غلو، قرآن، سنت، عرف

طرح مساله:
اصطلاح غلو از جمله واژگانی است که مورد توجه و استفاده متکلمان بوده و محل بحث و نظر واقع شده است و غالباً با معناى گزاره‌گری و افراد گری و تجاوز از اندازه در جنب افراد و زیاده روى در اعتقادات برادر دانشگاه کرده بوده و عنوان و سیله ای برای تغییرات دیگران به کار رفته است.

ازجمله این موارد است. استفاده در مسابقه‌ای اخیر که بر حجم نتایج مانند هایپون، علیه شباهت و شباهت و نوع آن افزوده شده است. به نحوی که نمادهای مثبت صعود در عرصه‌ای جدید کتاب و پایان نامه‌ها در منطق کارشناسی ارشد و دکتری به عنوان غلو اخضاع خاصی داده شده است و همه درصد بروز اند معافیت شیعه در مورد امام و اهل بت و ... و افراد و به دو است واقعیت گلو دهنده و حتی این اعتقادات را مشرکان معرفی نمایند.

جدای از لزوم برداختن به بررسی این اتهامات و میزان صحت و سقم آنها، که مجلا می‌پذیرانه می‌طلبد، بهتر برکومار وازه غلو و علایی در اسلام ارائه می‌نمایم.

در مقاله حاضر، ادعای حصری این است که گرچه در اکثر موارد، وازه غلو در افراد گری استعمال شده است و باعث شود نیز از این منان اشاره نموده و حتی از پوسته‌برای روابط چند معناي فهمیده می‌شود، اما معنای غلو تنا در این مورد خلاصه نمی‌شود، بلکه زیاده روى در واقع فقط

1 مشکلات‌العقومات (سم جلاد) عبدالرحمن بن معاویه الریحی - العقومات والی شیعین در حیات المسلمين المعاصرین،
عبدالرحمن بن معاویه الریحی - الکلام، قلی بن علی بن دروج - العقوم، یوسف بن علی بن علی الریحی - اندازه، سبل العلاج،
مصعب بن معاویه الریحی - اباد، ابادیزه بن علی الشیعی، اصول مذهب الشیعه الامام‌الاثنا عشری،
عصری و نقد (سم جلاد)، ناصر بن عبدالرحمن بن علی القفاری

فصلنامه تخصصی علوم اسلامی «سنار اول» شماره پنجم - (مسیستان 85)
دیگران و با افراد در مدت و حق کشی نیز غلو محسوب می‌شود. بنابراین، نه تنها زیاده روي در مدح و منتقد "البته"، غلو محسوب می‌شود بلکه زیاده روی در اندازه، غلو محسوب می‌شود و اعتقاد به هر چیزی از زمره‌امتد وسطه‌ام، محسوب می‌شود.

این جای برای اثبات ادعای خود، بحث را از نظر لغوی، شعری و عرفی بررسی نماییم:

غلو در لغت:
الف) غلو بر وزن قول، مصدر فعل غلی بلغه و به معناي بالارفتن، تجاوز از حد، تجاوز از اندازه، افراد و ارتباط آمده است. جوهری‌ها می‌گویند: در کار غلو نمودید، بیشی از حد نجاوگر کردید (دلی ماده غلو)، و این اثر می‌گویند: «اصل غلو به معناي بالارفتن و تجاوز از مقدار و حد در هر کاری است و در روایت نیز آمده است: در مهدی زنان غلو نکنید، بیشی در البالدرن و زیاده قرار دادن مهمه غلو و زیاده روی نکنید» (این منظور دلی ماده غلو) و این منظور می‌گوید: در دین یا کاری غلو نمودید، بیشی از حد آن گذشتید، در فراق نیز آمده است: در دین تان غلو نکنید و در حدی نیز آمده است: از غلو در دین بهره نمی‌نمایید (این فارسی، دلی ماده غلو) و در کتاب العین (فارسی)، ج 4 ص، 374 و قاموس المحيط (فیروز آبادی، دلی ماده غلو) نیز آمده است: در کاری غلو نمودید بیشی از حد آن گذشتید، و دکتر معین آورده است: غلو، بیشی در گذشتید از حد جزئی، تجاوز کردن از حد، تجاوز، گرافکاری، و مبالغه آنتست که مدعی می‌نماید در حبه مقاوم و عادت در مسیر باشد (معین، ج 2، ص 171).

و در فرهنگ فارسی عیوم غلو به معنا: داز حد گذشت، زیاده روي در کاری آمده است و نیز می‌افزاید: "در اصطلاح ادب آنتست که شاعر یا نویسنده در وصف چانه به حذف مبالغه کند که محل به نظر آید." (عمیدی، ص 87).

۱) یک کلمه وسط در لغت به معنی حد متوسط در میدان دوجز آمده است. این وسط بین معنی مبنا و معنای منطقی است. معناد از نظر عقیده، که نه راه غلو را می‌پیشاند و نه راه تقصیر، معناد از نظر ارزش‌های معنی و مدل معناد از نظر الدنیا و داشت، معناد از نظر روابط اجتماعی، معناد از نظر شیوه‌های اخلاقی و خلاصه معناد در تمام جهات زندگی و حیات (تفصیل نومنه ج 3، ص 387) هستند.
معناي غلو در شرع:
همانگونه که ملاحظه شد کلمه غلو در کتب لغت غالبای به معناي تجاوز از حد، اندیشه در جانب افراد و زیاده روی بکار رفته است و لغویون مشهور، به زیاده روی در جانب تفريط تصريح نشوده.

اما برای اطلاع از نظر شرع به قرآن و سنت مراجعه می‌نماییم.

معناي غلو در قرآن:
کلمه غلو در دور سوره از قرآن استعمال شده است و بسیاری از صاحبان تفسیر فریقین (شیعه و اهل تثنیه) در ذیل این دو آیه، غلو را به معنا زیاده روی در جانب افراد و تفريط (هر دو) دانسته‌اند.

1- حدای تعلیم (در سوره نساء آیه ۱۷۱) می‌فرماید: دیگر کلکی لا تغلوا فی دينکم ولا تقولوا علی الله الا الحق... (ای اهل کتاب) در دین خود غلو نکنید و دریا که خدا نگوید.

2- در دو آیه می‌گوید: به گونه تازه از آوردن آن اورتن و آوردن عیب غلو نمودند و تا چنین که او را فرزند غیر برده (حرم زاده) دانستند، و نصاری در بالا بردن او غلو نمودند به نحوی که او را خدای آب دانستند (مختصری، ج ۲، ذیل آیه).

و علامه طبیسی در تفسیر مجمع البيان در ذیل این آیه می‌فرماید: یخیم گوید این آیه خطاب به یهودیان و مسیحیان است، یکی مسیحیان در مورد او غلو کرده، بخشی گفته‌اند پسر خدا است و عده ای او را پیوند آتشند و عده ای گفته‌اند او سومی از سه‌نا، بنی ابی‌ابن روح القدس است. و همچنین یهودیان لز غلو کرده گفته‌اند او حرام زاده است، بنابراین مر دو گروه، راه غلو را پیش می‌رود و علامه طبیسی در آن‌ها می‌گوید: أبو بكر سعی و ابو عمری و جمعی از منسوران گویند: خطاب تنها متوحه مسیحیان است (طبیسی، ج ۳، ص: ۲۳۳).
و قرطی می‌گوید: Ḥulu al jayāz az had ast va moqessud az an, ba nhojī ke mafżīrīn ghanī anīd: Ḥulu yīmīd dor morūd yasīs (uq) ast ba hadī ke mermī ra qazīrdīd. Ḥulu nasīrī dar mūrūd awa ta hadī ke ra ko ra pēsr xīdīa qarā darandī. ps āfrawat va tāqīsur hīdī dūd va kfar āmīzī mi bashandī. (qarātwī, ج ۲ ص: ۲۱)

و abi jīdīan mi gowīd: Ḥ¢fīgītī gīshē ke ayn āmīd darjāta nasīrī nāzal qarībridī ast, ayn qowr ra maqāyīt yin mowoodī ast. Wa jumhūrī gowīdī: dar mūrūd yasīs nasīrī mi bashandī, zīrā mafżūtī bē tīlīt hēstīd wa irāvarī mi dārīnī ko pēdr, pēsr va rohī al-qīds, pīrūrdīgawāhī dīdī hēstīd. Ḥ¢fīgītī gīshē dar mūrūd yīmīd va nasīrī ast va xūdānī ayn ra az jayāz az hadīa xadā ast va mūnī āmīyī ast kē dar dītīnī ke mowōfī bē eṭājān ān hīsīd Ḥulu yankūnī va lūdīa ṣawara bē dīn āmīzī gandānī dīdī ānīsīta... bējkī bē ṣorūq mūlītī bē tīrī Ḥulu dar dīn xada moṣūrī gīshā nōrūdī: yīmīd dar bāyīnī āmīyī dīdī yasīs Ḥulu mowoodī wa moṣūrī qarībridī qarībridī dāwānī (inquīdī) dar Ḥulu mowoodī awa ra pīrūrdīgawāhī qarībridī darandī. (5 ج. چ. س. ص: ۱۱۶) va Ḥ¢fīgītī kawātī mi tenseṣī ṣawāyī dīlī āmīyī mi gowīdī: yīmīd dar bāyīnī āmīyī dīdī yasīs Ḥulu mowoodī dānīja bē kē ra frūzdī gīnī dānīstīn va nasīrī darjāta Ḥulu mowoodī wa moṣūrī qarībridī qarībridī darandī (inquīdī) dar Ḥulu mowoodī wa qarībridī qarībridī darandī. (5 ج. چ. س. ص: ۱۱۶)

و shoqātī mi gowīdī: Ḥ¢fīgītī az āfrawat nasīrī va ṣawara yīmīd astā (shoqātī, چ ۱ ص: ۶۸۸) va mohammad mowoodī mī gowīdī: Ḥulu jayāz az had ast... wa hīyīk bē yīmīd va nasīrī mafżūtī irāvarī dānīstīn. Ḥ¢fīgītī gīshē dar dīn az ṣahā ṣawara bosīdīn... dar dīnī bāyī kīsī ṣawāyī yīmīd yīmīd dar dīn āmīyī kīsī bē darjāta nasīrī ast (be qurīta va λαγνοὺλα ṣalathī... ۴ mīnī, چ ۲ ص: ۱۱۶) va ṣawara ṣawāyī mī ṣawara ṣawāyī be ṣawara ṣawāyī mī frūzdī: Ḥ¢fīgītī gīšē ke āmīnī hīsīd ke mafżūtī ān nasīrī mi bashandī, wa ānān bē hīyī kīsī ṣawara bosīdīn... Ḥ¢fīgītī gīšē ke āmīnī hīsīd ke mafżūtī ān nasīrī mi bashandī... Ḥ¢fīgītī gīšē ke āmīnī hīsīd ke mafżūtī ān nasīrī mi bashandī...
فخر رازی در تفسیر این آیه می‌گوید: «وقتی خدای تعالی در آیات قبل، ابتدا در مورد حرفهای باطل به‌واسطه از آن در مورد اباطل نصایر سخن گفت و دلیل روش بر باطل و فاسد بودن حرفهای آنها بیان نمود، در اینجا به‌واسطه نصایر در دو را مخاطب قرار داد و فرمود: ... ولاغزلا ...» در دین خود غلطنکیده (فخر رازی، ج ۱۲، ص: ۴۱۰)

و قرطبه در ذیل این آیه می‌گوید: «افراط نوزیدن چنانکه به‌واسطه و نصایر در مورد عیسی غلعنوروزانده، اما غلعنوروزانده آنا یهود آن بود که در مورد عیسی گفتند و فرزند نکاح نبست و غلعنوروزانده آن است که ابراز میداشتن او برودار استه.» (قرطبه، ج ۶، ص: ۲۵۲)

و عیسی می‌گوید: «ظاهر آیه خطاب به اهل کتاب است که در زمان رسول خدا (ص) حاضر بودند، و بعد از آنان را نیز شامل می‌گردید و جنون در آیات قبل در مورد اباطل به‌واسطه و نصایر سخن به‌واسطه آمده، دو گروه را در نهایت غلو در یک جمع کرده و آنان را با خطاب لاغزلا ...» مورد خطاب قرار داده. (عیسی، ج ۳، ص: ۵۴۷)

و می‌گوید می‌فرامیشد: «ظاهر آیه دلائل دارد که خطاب موجه‌اله کتاب است و در وضع تمام‌الهل ادبیان را در بر می‌گیرد.» (می‌فرامیده، ج ۴، ص: ۶۱)

و علاء‌الطبری می‌فرامیده: «برخی گفته‌اند که خطاب موجه‌اله به‌واسطه نیز هست زیرا آنان نیز در تکذیب حضرت عیسی و حضرت محمد (ص) غلعنوروزانده و نصایر دلاغزلا و در دین‌نگاره این است که از چندی که خداوند معین کرده است تجاوز نکنید و به‌واسطه و نفرت نگرایید ...» دین خداوند میان آن دو است.» (طبری، ج ۴، ص: ۶۱)
شاکر طووسی می‌فرماید: مخاوند، تعلیم پیامبر (ص) را امر نموده که اهل کتاب را مختاطب قرار دهند. عده‌ای گفتند مراد از اهل کتاب یهود و نصاری می‌باشند زیرا یهود نیز در تکذیب عیسی و محمد (ص) غفل گردند و لذا به آنان می‌گوید در دین‌تان غفل نکنید و معنی‌ای آن این است که از حذف چه خداوند برا یم می‌فرماید شما قرار داده است نجاوی نکنید و ضمن آن تقرری است که به معنای خروج از بوده به سمت نقضیان است و زیاده روز کردن از حذف نیز نقضیان، هر دو غیر قابل قبولند، و چیزی که خداوند به آن دستور داده است مبان غلو و تقصیر است که همان اقتصاد خواهد بود. (طووسی، ج ۶، ص: ۴۷۱) و علامة طباعیی می‌فرمایند: فیین آن محضری دیگری به رسول اکرم (ص) است که به آن جناب دستوری می‌دهد که اهل کتاب را دعوت کند به اینکه در دین خود مرتب غلو و افراط نشوند. چون اهل کتاب مخصوصاً نصاری به این بلبه و انحراف در عقیده مبتلا بودند. (طباعیی، ج ۶، ص: ۷۲)

معنای غلو در سنت:

ابن عباس، می‌گوید: نبی‌می‌خواست خدا صلی الله علیه وآله وotherapy، او یکی از شرکت‌سوار بود به همین فرموده: درکرای من نزی من کریم (برای، پرای آن حضرت من کریم برداشته، وقتی آنها را در دست حضرت قرار داد او فرمودند: یاد می‌نماید و بشریاد به پریزاد از غلو در دین، همان غلو در دین باعث هلاکت اقوام پیش شده‌است (احمد ابن حبل، ج ۱، ص: ۴۱۵) و با اصل سنت به نقل از پیامبر (ص) آورده اند: از غلو در دین پریزاد، زیرا آن‌ان که قبل از شما بودند (شاید منظور پیش‌های و مسیحی باشد) به غلو در دین خود نابود شدند، (همان)

استعمال غلو در عرف:

در عرف، غلو مربوطی دیگری پیدا کرده و در معنای متفاوتی به کار گرفته شده است.

در فرهنگ معین آمده است: در علم بدعی زیاده روى در وصف، بدین ترتیب مرتبه بندید شده است.

فصل نخست علوم اسلامی، سال اول، شماره ۲، مسکو، ۱۳۸۵، ص ۸۵
الف) مبادله
ب) اغراق
ج) غلو

مبادله یا ایراد و اغراق یا این از غلو است، اما غالباً تنکیک این سناره با کسی یکدیگر می‌تواند در باعثه آن را منجر گردد.

اغراق، افراد در ارتباط است به نوعی که عقلانی ممکن و نقاشی عاده می‌کند.

و غلو، افراد در ارتباط است به نوعی که هر عقلانی و هم عاده می‌باشد.

غلو به معنای اعتقاد به خداوند افراد و...

غلو اعتقاد به اولویت (و خداوند) بشر است از جهتی از جهات خداوند، با صفات اسلام و

به تعبر درگیری است از اعتقاد به خداوند، پیغمبر یا آدم و یا افراد درگیر یا امامان به شرکت

ایتیما ingenious در معیار و یا آفرینش خلق و اعمال زندگی و غیره و با شرکت در صفات ذاتی

خداوند مانند علم و قدرت و حکمت. با اعتقاد به اینکه خداوند در آن افراد حلول کرده با آنان

متحد است با اینکه آنان بدون حضور و آفرینش واقعی، به اورانی آگاهند.

در اینکه غلو به این معنا و تا این حد توسیع افراد صورت گرفته است و چنین طرز فکرهای که

در میان افراد دیده می‌باشد به گرفته است و م ...

فصل مهمی از تاریخ دوران پیامبر گرایی اسلام و

بی‌پی از آن حضورت، به غلای و فرقه‌های مختلف و فکر و مطالب آنان اختصاص دارد

در ترددی نیست. به یقین افرادی با عقل و انگیزه‌های کاملاً مختلف و مختلف، چنان عقایدی از خود

ظهور و بروز داده‌اند.

بعضی با دیدن فضای و حالاتی از پیامبر و آن‌ها به خود احساس یک عقاید با اصول مسلمانان، و مذهب شیعه و حتی با نام شیعه دوازده‌امامی

در تاریخ آشفتگی است و تاریخ به ورشی گروه‌ها است که از ابتدا ظهور و بر روی عقاید غلوآمیز و

فرقه‌های غلات، بابرخورد و موضوع گیری قاطع و عمد و نفتین امامان شیعه و روحانی شدند و در

صورت توبه نکردن، حتی با کشته شدن مواجه گردیدند.
از طرفی عالیان و دانشمندان بزرگ شیعه و اصحاب آن به سلسله داستان تألیف کتاب ها و
مجموعه روایات معترف در ذری افکار و اعمال و عقاید غلبه زدند.

بپنور به روایاتی از امامان شیعه که علی را به معنا زیاده روی در جانب افراط به کار این ترکیب نیز در
برخوردار با غلبه و افکار و عقاید آنان و در آن چنان فضایی صادق شده اند. از جمله نقل شده که
امام علی عليه السلام فرمود: هنگام در رحلان، محب غلال و میغسل قال: دو مرد (دو طرف فکر)
دریاره من نیا و هلاک شندند، دوستی که در دوستی زیاده روی کنید و دشمنی که در دشمنی

زیاده روی نمایید (فیض الاسلام، حکم‌های 113)

و یا فرمود: (متأهل بیت) چون بشتی در میانه هستم که آن که وامانده خود را به آن رساند و آن
که از آن گذشتی به جانب آن باز گردید، (بنا یلیدن الفا والبیر رفع الغالبی) (هیمان، حکم‌های
109 و 9، ج 6: ص 194)

و یا آن حضرت فرمود: داز علی دوم در میرود می‌ورزید، بیگوند می‌نقدگان خدا هستم و در فضل ما هر
چه خواستید بیگوند. (مجلسی، ج 25: ص 376)

و جالب بیانکه بنگادی از علیان اهل سنت، غلبه را نه تا تشیع که از اسلام خارج می‌داند.
(ربانی گلابگانی، ص 33)

غلو به معنای مختلفی با صاحبی:

ذهی از محدودان اهل سنت دو مورد لفظ غلافی در قبیل و یکی در زمان خودش می‌گوید: گعلی در
زمان سفید و در عرف آنان به افرادی می‌گفتند که علیه عثمانی، زیری، ظلمه، معاونه و کسانی که
با علی بن ابی طالب جنگیدند صحبت می‌کردند و آنان را بسب می‌نودند، اما غلبه در زمان ما
کسانی هستند که آن بر ازخ جنگ را تفکر و از شیخین تبری می‌جوید. (دهی، ج 1: ص 5)

غلو به معنای اعتقاد به تقدیم حضرت برخلاف:

در مواردی محب حضرت علی‌السلام دلایل را حدث افراد بوده است و بعضی تقدیم
حضرت علی (ع) بر خلاف را غلی می‌دانند: این حجر می‌گوید: تشع عبارت است از حضرت و
دوستی علی بن ابی طالب و مقدم دانستن از با حرص عفر و ابوبکر، اما اکثری کسی علی را
بر ابوبکر و عمر مقدم مدارا در تشیع علال است و به او رافضی می‌گویند. (7، مقدمه، ص: 64)

فصل‌ناما تخصص علم اسلامی: سن بالا- شهره مهارم- (مستن) 85
وازة غلوض نزد علماء شيعة:

وازة غلوض نزد علماء شيعة نظرًاً له كمن كان يستعمل من مثابه استبله في معناها متفاوتة به كارر رفته

أست. علاوه بر غلوض دانستن اعتقاد به الوهبة افراد و . . .،

از آنها كاختلاف نظر في السياسي ازباح اعتقادات و غيره همارة في ميان علماء وجود ذاته

أست، افراد بر ايام حد و معزى في مباحة قائلن مي شهاد اند و بات و دام را كره بما نظر آنها

موفق تيوندته أنده به غلوض مههم، مي نموده أنده به همهم جهت علامه وحيد مي فرمانيد: برخي از جمله

صدوق و شيخين و اين وليد و طبري، قائلن به جوام سهور برني بودن و قائلن به نمي سهور و مههم

به غلوض مي نمودهن و حكايته كرده أنده كره شخص مفيد هماند معجب جناب معتقد بود كره خداوند

تعالي قادر بر غير مقدر به لنست و كره أبيرام بين نويخت قائلن به جوام لذت عقله بر

خداوند سبحان بود و با ماهيت خداوند را همان وجود أو مي دانست و . . . و به خاطير اين

اعتقادات، ابان نيز به غلو مههم شهاد اند. درحالي كه مخالفت در غير اصول اعتقادات موضوع مسقط

نمي غرده مگ در صورت كه مستلزم ابتكار ضروري دين باشد. (مامعاني، ج3، ص: 88)

به هرحال تمام اين موارد جزء موارد استعمال لفظ غلوض است كه غاليباً بقرائن حاليه و مقاله بكار

رفته و استعمال اهم من حقيقه و مجاز است. و واضح است كه دليلي بر حقيقه شرعية بودن در

يک معنای خاص نمی باشد و هیچگام دلیل بر رده معنای وسیع مورد ادعا ما برای غلو نمی

شود.

و شاهد ديگرما:

علاوه بر برداشت مفسران شیعه و اهل سنن در ذیل دو آیة شریفة قرآن، برداشت برخی از علمای

اهل سنن و مؤلفان کتاب و محققان پیرامون غلو است:

انفکار بعضی از علمای اهل سنن و مؤلفان پیرامون غلو، که مخالفت ماهستند، از غلو معنای وسيعی

اراده نموده اند.
آيًا قول لغوي الزام آوار است؟
و آيًا قول لغويون منع ابن برداشت ما از غلو نمي شود؟
در مورد قول لغويون ؛ أولاً : قريچه أكثر آنها اشاره به غلو في جانب افراط داشتند ولئئي برخمي ،از جمله البنم و مقاييس اللغه و قاموس المحيط و صحابغ: غلو ارجاوا زير 결정 بنمان ردوم شود زيرهجه، غلاها بر معناي دانهای چيزى به معناي حالي ميان دو جير و مره به كار رفته است. و مرجع شامل تمام جهات يک بنم و خروج از مرز از هر طرفى كه باشد نجاو زيرهجه، و در بحث ما زباده روی و عور از مرز و خروج از حد اعتدال ، غلو محسوب مي شود، خواه زباده روی در مدح و بالا بردن باشد و يا در مذمت و بايين آوردن.
ثانیاً: در اصول فعل پر ازون حجیت (الزام آور بودن) قول لغوی بحث ها و نقدهای فروناوی صورت گرفته است. ازجمله آخوین خراسانی در ذیل مبحث حجیت ظاهر کلام، به بحث حجیت قول لغوی است. اما گریهی می نماید. اولین اشاره می نماید. به معنی نبودن به مشورت داده شده است و برای اثبات این ادعاه با انفک نظر عالمان، بلکه تمامی عقایل بر این مطلب، استادان شده است، و بعضی ادعائ اجماع نموده اند.

میسی مرحم خراسانی این نظر را مورد نقد قرار داده و اوه فرامید: اولاً اگر علم ما بر این مطلب اتفاقی هم داشته باشند، فایده ای ندارد، زیرا اتفاقی تنه حجیتی ندارد بلکه فقط در صورتی که کاشف از را معصوم باشد حجیت دارد. ثانیاً: اتفاق نظر علمای بریونگی مطلبی: یک دلیل گفتگوی نبست تا بتوان به اطلاق آن نمسک کرد، بلکه دارای قدر متین است و قدر متقین آن در موردی است که شرایط شهادت موجود باشد و بتوان به عنوان بیان و شهادت، قول آنها را بدنیرفت. و اگر گفتگوی شود رجوع به لغوی، رجوع جاهل به عالم است، می گوییم: منبی عقل در رجوع جاهل به عالم نیز اطلاق ندارد تا بتواند دلیل حجیت قول لغوی باشد و ما بتوانیم به استناد آن به قول لغوی نمسک کنیم. بلکه در صورتی می توان قول قول لغوی را بدنیرفت که از قول آنها برای انسان و ثور و اطمینان حاصل شود، حال آنها لغوی فردی است که تبیع کرده و موارد استعمال لطف را پیدا کرده است و اشداره ای به حقیقت یا مجاز بودن آن ندارد، (خارسانی، ص: 135) درکتاب "اصول الاستعباط، نیز همین نظر تایید شده است. (خیبری، ص: 284)

نتیجه گیری:

گرچه کلمه غلو، در لغت غالبی به معنای بالا رفتن و تجاوز از حد و اندازه در جنب افراط (زیاده روي و بالا بردن) می‌خوانده شده است اما با تأمل در آیات قرآن که مطلوب اهل کتاب مورد خطاب و نهی از غلو واقع شده است و تنها غلو در دین نیز به طور مطلق مورد نیز واقع شده است و تصمیم یافته به افراطی غلیب در جنب زیاده روي و دارد، و نیز نظر بسیاری از مفسرين معروف شیعه و اهل ملت که آیات قرآن را شامل غلو به نمایش در نیز دانسته‌اند، و همچنین دو حدیث شریف نیز که مطلق بود و اشاره ای به غلو در جنب افراط نداشته‌اند، می‌توان دعا نمود که در شرع

فیلسوفان تخصص علوم اسلامی \ سال اول- شماره چهارم - (عاشتین) 85
مقدس، از غلو معنا و سعی تری اراده شده است، و آن زیاده روی درجان افراد و بالا بردن و یا
زیاده روی درمزمت و پایین آوردن، هر دو را شامل می‌شود.
فهرست متابع:

1 - قرآن كريم.
2 - ابن اثير، النهاية في غريب الحديث.
3 - ابن منصور، محمد بن مكرم، (1408 ق)، لسان العرب، بيروت، دارچاح، جاب، جاب.
4 - ابن فارس، مثقفين اللغة.
5 - ابن حيان، محمد بن يوسف، البحر المحيط، بيروت، دارا لابن الامام.
6 - أحمد بن جنبل، مسلم، بيروت، دارالفكر.
7 - ابن حجر، أحمد بن علي (1405 ق)، مقدمة فتح الباري، بيروت، دارچاح، جاب، جاب.
8 - اللويحه، عبد الرحمن بن معاذ، كول في الدين.
9 - تعيبي آدم، عبد الواحد بن محمد، (بي تا)، غير الحكم وكرر الكلام، تهران، دانشگاه تهران.
10 - جوهرى، اسماعيل بن حماد (1404 ق)، الصحاح، تحقيق محمد حمد اللفقي، بيروت.
11 - حيدری، سيد علي نفی، (1364 ش)، الأصول الاستنباط، قم، دارالکتب الاسلامية، جاب.
12 - خراسانی، آخوند ملا محمد کاظمی (1409 ق)، كفايه الأصول، قم، مؤسسة آل البيت لاحياء
    التراث، جاب، جاب.
13 - ذهبي، محمد بن أحمد، (1382 ق)، ميزان الاعتدال في نقد الرجال، بيروت،
    دارالمعرفه جاب، دوم،
14 - ربانی، کلیانی، علي، (1377 ش)، داروق وماهبه کلامی، قم، مركز جهانی علوم
    اسلامی، جاب، جاب.

فضلانيه تخصصی علوم اسلامی * سال اول - فهمه کهارم - (مستانق 85)
15- زمخشیر، جăr الله (۱۲۳۸ ق)، الکشاف، ریاض، مکتب العیان چاب ۱۰ ل
16- شکاکی، محمد بن علی بن محمد (۱۲۱۶ ق)، الفتح المقدیر، بروت، دارالمعارف، چاب دوم
17- طباطبایی، سید محمد حسن (۱۳۹۳ ق)، الامینان فی تفسیر القرآن بروت، مؤسسه
العلمی للمطبوعات، چاب سوم
18- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۴۷ ق)، مجمع الیمان، بروت، دارالمعارف، چاب اول
19- طوسی، محمد بن حسن، الیمان، تحقيق و تصحیح احمد حبیب عاملی، بروت
20- امیر، حسن (۱۳۵۸ ش)، قرهبک فارسی عمید، تهران، انتشارات ابن سینا، چاب هفتم
21- علی بن عبدالعزیز الفتوی الدین
22- فراهی، خلیل بن احمد (۱۴۲۵ ق)، کتاب العین، تحقيق مهدی مخومسری،...، تتم
دارالجه جاب اول
23- فیض الاسلام، (ر.ت) نهج البلاغه
24- رفیعی، موسی، محمد بن عقیل، الافلاطون المحبی، بروت، دارالجل
25- فیض کاشانی، ملاحسن (۱۳۹۹ ق)، تفسیر الصافي، بروت
26- فخر اریا، (۱۴۱۸ ق)، تفسیر السبیر، بروت، دارالجه، الیمان، چاب اول
27- قرطی، محمد بن احمد (۱۳۰۵ ق)، الکلیف لاحکام القرآن، بروت، مؤسسه التاریخ
العربی
28- ملکی، محمد بن عبدالقادر، (۱۳۰۹ ق)، بهار الانوار، بروت، مؤسسه اول، چاب دوم
29- مامقانی، عبدالله (۱۳۵۰ ق)، تفسیر المفسی فی علوم الرجال، نجف اشرف
دارالمقدمات
30- مینی، محمد (۱۳۸۲ ق)، فرحتک فارسی مینی، تهران، انتشارات بهزاد، چاب اول
31- مینی، محمد جواد (۱۳۹۰ م)، تفسیر کشافی، بروت، دارالمعارف للملاین

فهرستهای تخصصی علوم اسلامی - سال اول - شماره همراه - (مستانع ۸۵)